

بررسی سرمایه‌ی اجتماعی همسایگی و پیامدهای اصلی مرتبط با آن (مطالعه‌ی موردی؛ شهر آران و بیدگل، منطقه‌ی آران)

امیر رستگار خالد^۱، سمیه آران دشتی آرانی^۲، زهرا صادقی آرانی^۳

تاریخ دریافت: ۱۳۹۱/۰۶/۱۹

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۱/۱۲/۱۵

چکیده

در میان انواع روابطی که یک فرد در جامعه با دیگران دارد، ارتباط با همسایگان نیز یکی از این روابط است و در بستر همین روابط همسایگی است که پدیده‌ای به نام سرمایه‌ی اجتماعی همسایگی نیز رقم می‌خورد که متشکل از ابعاد عینی (شبکه‌ی روابط و تعاملات، انسجام رابطه‌ای، مشارکت اجتماعی) و ابعاد ذهنی (اعتماد اجتماعی، انسجام ارزشی، حمایت اجتماعی و نزدیکی اجتماعی) است. وجود این نوع خاص از سرمایه‌ی اجتماعی دارای پیامدهای مهمی در زندگی اجتماعی افراد است که مهم‌ترین آن‌ها عبارت‌است از: وجود امنیت اجتماعی، کنترل اجتماعی و رضایت از محله‌ی مسکونی افراد. در این زمینه، این پژوهش با حجم نمونه‌ی ۳۸۴ نفر در شهر آران و بیدگل (منطقه‌ی آران)، انجام گرفته است. روش تحقیق، توصیفی-تحلیلی بوده و داده‌های جمع‌آوری شده از طریق پرسش‌نامه با استفاده از نرم‌افزار spss و با به‌کارگیری روش‌های آماری مانند توزیع فراوانی، ضریب هم‌بستگی پیرسون، اسپیرمن، رگرسیون خطی و... توصیف و تحلیل شده است. نتایج تحقیق حاکی از آن است که میان سرمایه‌ی اجتماعی همسایگی و هر یک از پیامدهای اصلی مرتبط با آن رابطه‌ی مستقیم و معنی‌داری برقرار است و در میزان سرمایه‌ی اجتماعی همسایگی در هریک از بافت‌های مختلف اعم از قدیمی و نوساز تفاوتی مشاهده نمی‌شود.

واژه‌های کلیدی: سرمایه‌ی اجتماعی همسایگی، امنیت اجتماعی، کنترل اجتماعی، رضایت از محله‌ی مسکونی

1. amir_rastegarkhaled@yahoo.com

۱. استادیار گروه علوم اجتماعی دانشگاه شاهد تهران (نویسنده مسؤل)

2. arandashtiarani@gmail.com

۲. دانشجوی کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی، دانشگاه شاهد تهران

3. z.sadeghi.a1@gmail.com

۳. کارشناس ریاضیات، دبیر ریاضیات آموزش و پرورش شهرستان آران و بیدگل

مقدمه و بیان مسأله

می‌توان گفت نهاد همسایگی، پس از نهاد خانواده، دومین نهاد مهمی است که افراد به واسطه‌ی آن، روابط اجتماعی خود را گسترش می‌دهند؛ در صورتی که این روابط، از انسجام برخوردار باشد، این نهاد می‌تواند اثر مهمی بر شکل‌گیری نوعی از سرمایه‌ی اجتماعی، در میان افراد داشته باشد. برقراری روابط همسایگان با یک‌دیگر، درون ظرف اجتماعی محله، صورت می‌گیرد و میزان سرمایه اجتماعی که به دنبال خود در پی دارد، دارای آثار مثبت فراوانی است؛ وقتی افراد با هم رابطه‌ی چهره به چهره داشته باشند، هم‌دیگر را بهتر خواهند شناخت و از زندگی در محله و تعامل با دیگران احساس رضایت خواهند داشت. افراد، دلبستگی عاطفی زیادی به همسایگان خود پیدا می‌کنند و وقت بیشتری را به گپ و گفت با همسایگان خود می‌گذرانند و بر اساس زیادی رفت و آمد همسایگان در کوچه و محل، میزان کنترل اجتماعی و به دنبال آن، امنیت محله نیز بالا می‌رود. در این نوع محلات ارتباط میان افراد، همواره بر مبنای ارتباط «من و تو» بوده است. این روند را که سال‌ها به طول انجامیده، تا ایجاد شود می‌توان تحت عنوان «روند نهادی شدن» نهاد همسایگی نام‌گذاری کرد، که طی آن هنجارها و الگوهای رفتاری مطابق با این نهاد، تثبیت می‌شود تا این نهاد بتواند برخی از نیازهای آدمیان را تأمین کند. برعکس اگر همسایگان از «سرمایه‌ی اجتماعی کمتری» برخوردار باشند، این نهاد مهم به بحرانی دچار خواهد شد که می‌توان آن را «بحران نهادی» نامید. در این شرایط، در جامعه، هم‌چنان هنجارها و الگوهای رفتاری پایدار وجود دارد، اما به علت بی‌اعتمادی مردم، این نهاد تا حدودی اهمیت و اقتدار خود را از دست می‌دهد و نمی‌تواند به شکل مؤثری، وظیفه‌ی اصلی خود را که «جهت‌دهی به رفتارهای مردم در حوزه‌های معینی از زندگی اجتماعی است»، انجام دهد (موسوی، ۱۳۸۷: ۸۸). در اجتماعاتی که افراد در آن با همسایگان خود ارتباط ندارند، در نتیجه کاستی سرمایه‌ی اجتماعی همسایگان، افراد کمتر هم‌دیگر را می‌شناسند، در نتیجه از یک‌دیگر دوری می‌گزینند و میزان رضایت‌مندی از بودن در کنار همسایگان، به خطر می‌افتد و میزان فردگرایی افراد بیش‌تر و به گفته‌ی گافمن، در نتیجه‌ی کاهش تماس‌های اجتماعی نوعی از حس بی‌تفاوتی مدنی در زندگی اشخاص ایجاد می‌شود. در اثر کمی عبور و مرور همسایگان در محل، میزان کنترل اجتماعی توسط افراد محل پایین می‌آید و هر لحظه امکان ناامنی در محله بالا می‌رود. در این

نوع محلات رابطه میان همسایگان، بر مبنای رابطه‌ی «من و آن» است و افراد با یکدیگر برخورد‌های غیرشخصی دارند. چون نوعی تعاملات ابزاری میان افراد ایجاد شده، احتمال آن می‌رود که افراد احساس تعلق محله‌ای خود را از دست بدهند. از سوی دیگر از آن‌جا که مردم کمتر به صورت چهره به چهره با هم ارتباط دارند، می‌توان گفت که پیامد این موارد به شکل گرفتن نوعی از «همسایگی مجازی» خواهد انجامید؛ به این معنی که افراد به جای پرکردن اوقات فراغشان با همسایگان خویش، به واسطه‌ی وسایل ارتباطی هم‌چون تلویزیون و اینترنت، ماهواره و... و یا با افراد دیگری خواهد گذشت.

بنابر تعریف سامپسون (۱۹۹۱)، سرمایه‌ی اجتماعی همسایگی، اتصال و به‌هم پیوستگی دو جنبه‌ی افراد در زمینه‌ی اعتماد و علائق و تمایلات مشترک به‌منظور مداخله برای انجام امور مشترک در داخل اجتماع است که این فرایند را شامل دو جزء انسجام اجتماعی یا حس مرتبط بودن اعضا با هم و نوعی تمایل و علاقه برای حل مشکلات اجتماع می‌داند (کاوجی^۱، ۲۰۰۶: ۱۴۳).

حال می‌توان به این نکته اشاره کرد که افراد در شهر آرآن به لحاظ محل زندگی، در دو نوع محله‌ی شهری، با بافت قدیمی ساز و نوساز در همسایگی یکدیگر زندگی می‌کنند این دو بافت از جهات مختلفی، خواه به لحاظ شرایط معماری و فیزیکی و تراکم جمعیتی و خواه به لحاظ قشربندی اجتماعی افراد ساکن (سطح تحصیلات، شغل، درآمد)، با یکدیگر متفاوت هستند. شواهد خود محقق و مصاحبه‌های چندی که با برخی از ساکنین این مناطق انجام داده است، همه حاکی از این است که بافت قدیمی‌ساز شهر، عموماً به لحاظ معماری و شرایط فیزیکی از کوچه‌های تنگ و باریک، خانه‌هایی با مصالح ساده و... ساختار یافته‌اند. به لحاظ جمعیتی نیز اکثر خانواده‌هایی با تراکم جمعیتی بالا، ساکنانی عمدتاً سالخورده و میان سال با میزان تحصیلات پایین، شاغل به مشاغل مثل قالی بافی و کارگری با درآمد نسبتاً پایین و... تمرکز یافته‌اند. در مقابل، افرادی که در محلات نوساز ساکن هستند، در خانه‌هایی زندگی می‌کنند که به لحاظ معماری شهری، جدید و عموماً به سبک آپارتمانی، با عالی‌ترین مصالح است و محلات نوساز به لحاظ جمعیتی نیز، عمدتاً محل اسکان خانواده‌هایی با تراکم جمعیتی پایین و جوان، دارای سطح تحصیلی بالا و شاغل به مشاغل پردرآمد، مانند پزشک، استاد و

فرهنگی و... هستند. حال اگر مؤلفه‌های شخصیت یک شهر یا روستا را محیط طبیعی، مصنوعی و انسانی بدانیم (ادب، اُبی تا: ۴۷)، به نظر می‌رسد که اجزای مولفه‌های مصنوعی شامل: تک بناها، بلوک شهری، محله راه، خیابان، میدان و... هم‌چنین اجزای متغیرهای انسانی شامل: سواد، اعتقادات محلی و... در این دو نوع بافت محلی متفاوت باشد. با توجه به تفاوت‌هایی که به لحاظ قشریندی اجتماعی و فرهنگی و جداگزینه فضایی و نیز بافت معماری شهری در میان محلات قدیمی ساز و نوساز شهر آران مشاهده می‌شود، این سؤال پیش می‌آید که آیا در این دو نوع بافت شهری و اجتماعی، سرمایه‌ی اجتماعی همسایگی افراد، نیز متأثر از تمایزات ساختاری ذکر شده، می‌تواند متفاوت باشد؟ آیا می‌توان گفت که در محلات قدیمی ساز شهر، کماکان همسایگان، به رسم عادت و سنت به برقراری رابطه‌ی اجتماعی با ساکنان دیگر در محله، علاقه‌مند باشند؟ به تعبیر دیگر می‌توان انتظار داشت که در محلات نوساز در مقایسه با محلات قدیمی شهر، سرمایه‌ی اجتماعی همسایگی دچار فرسایش شده باشد؟ که در این صورت پیامدهای چنین فرسایشی در رابطه با سرمایه‌ی اجتماعی همسایگی افراد، در محلات نوساز چیست؟ از سوی دیگر پیامدهای حفظ و قوام سرمایه‌ی اجتماعی همسایگی افراد در محلات قدیمی ساز چیست؟ آیا تغییر در میزان سرمایه‌ی اجتماعی همسایگی افراد در محلات نوساز و قدیمی ساز در میان همسایگان، با پیامدهای مرتبط با کیفیت زندگی شهری، اعم از میزان نظارت و کنترل اجتماعی، احساس امنیت اجتماعی، میزان رضایت‌مندی از محله سکونتی افراد و... می‌تواند در ارتباط باشد؟

پیشینه‌ی مطالعات

جان اچ شوارتز^۱ (۲۰۱۰)، در مرکز توسعه‌ی اجتماع و اقتصاد دانشگاه میشیگان، به بررسی مقیاس‌ها و ابعاد سرمایه‌ی اجتماعی همسایگی و تغییرات رفتاری پرداخته است. وی طرحی را با عنوان شاخص‌های سرمایه‌ی اجتماعی همسایگی و تغییر رفتاری^۲ ساخته و پرداخته کرده است:

وی در این پژوهش ابعاد حس مربوط به اجتماع را شامل این موارد می‌داند:

1 - John H Schweitzer

2 - Neighborhood Social Capital Measures and Behavior Chang

- ۱- (ارتباط):^۱ این که مردم یک محله هم‌دیگر را می‌شناسند یا نه؟
 - ۲- (حمایت):^۲ این که مردم یک محله کارهای مفیدی را برای هم‌دیگر انجام می‌دهند یا نه؟
 - ۳- (حس تعلق):^۳ این که مردم یک محله و همسایگان، مراقب آینده محله و بلوکشان هستند و در برابر آن احساس مسؤلیت می‌کنند یا نه؟
 - ۴- (مشارکت):^۴ این که مردم یک محله در امور مربوط به محله‌ی شان، فعالیت‌هایی را در جهت بهبود شرایط و اوضاع محله انجام می‌دهند یا نه؟
 - ۵- (توانایی دادن، توانمند کردن):^۵ این که اگر در محله‌ی همسایگان با مشکلی مواجه شوند، دیگر همسایگان توانایی این را دارند، که راه‌حل جدیدی را اتخاذ کنند؟
- شئو چونگ^۶ (۲۰۰۵)، نیز در طرحی تحت عنوان سرمایه‌ی اجتماعی همسایگی جوانان استرالیایی^۷، به بررسی سرمایه‌ی اجتماعی همسایگی در میان جوانان استرالیایی پرداخته است. وی پنج عامل را برای سرمایه‌ی اجتماعی همسایگی در نظر می‌گیرد که عبارتند از: شمار همسایگان نزدیکی که فرد با آن‌ها در تماس است، طول مدت سکونت افراد، انسجام اجتماعی، مشارکت در فعالیت‌های همسایگی و درک امنیت محله‌ای.
- نتایج تحقیقات وی نشان داده است که همسایگانی که انسجام اجتماعی بالایی داشته‌اند، سطح اعتماد بالایی نیز به یک‌دیگر داشته‌اند. نتایج هم‌چنین نشان دادند که جوانانی که از همسایگان و محله‌ی شان احساس امنیت می‌کرده‌اند، میزان اعتمادشان به دیگر همسایه‌ها نسبتاً بیش‌تر از آن‌هایی بوده‌اند که نسبت به همسایگان خود این احساس را نداشته‌اند.
- روبرتسون^۸ (۲۰۰۸) نیز در مقاله‌ای تحت عنوان فضا، تعلق و هویت^۹ سعی کرده با استفاده از فن مصاحبه با پاسخ‌گویان درباره‌ی نوع احساسات و وجهه‌ی نظرهای شان در مورد محلی که در آن زندگی می‌کنند و هم‌چنین همسایگان‌شان به داده‌هایی دست یابد. هدف اصلی مقاله بررسی این نظر است که چگونه تصورات و احساسات نسبت به اجتماع ساخته می‌شود.

3- Connection

4-Support

3- Belonging

2- Participation

3- Empowerment

6- Sheau Chong

7- Young Australians Neighbourhood Social Capital

6- Robertson

9- space, belonging, identities

نتایج تحقیق نشان داد که طول مدت سکونت افراد در محله و متولد شدن در یک مکان، در اکثر افراد، در محیط همسایگی شان رشد می‌یابد.

وولی و کیلور (۲۰۰۶) دریافتند حمایت‌های والدین، کارکردهای فامیل، حمایت معلم و شرایط مدرسه و تعاملات اجتماعی همسایگان، همه حکایت از سطوح بالایی از انسجام مدرسه دارند.

لونتال و گان (۲۰۰۰) تأثیرات همسایگان را بر روی بچه‌ها و مشکلات رفتاری و رفتارهای جنسی بچه‌های ده تا ۱۹ ساله و همچنین طاقت و تحمل آن‌ها مورد بازبینی قرار داده‌اند. بر پایه‌ی مجموعه‌ای از اطلاعات، مثلاً پروژه‌های مربوط به تحقیقات توسعه‌ای یا IHDPI، یا تحقیقات و پیمایش‌های طولانی مدت مربوط به جوانان، انتشار اولیه‌ای که بر پایه این مجموعه از اطلاعات ایجاد شد، نشان دهنده‌ی این بود که افرادی که همسایه‌های ثروتمند در اطرافشان وجود دارند، در واقع یک تأثیر مثبت بر رقابت شناختی بچه‌های پیش دبستانی و افراد در سنین مدرسه دارند (کاوچی، ۲۰۰۶: ۱۴۲).

رحمت‌اله صدیق سروستانی و نوروز نیمروزی (۱۳۸۹)، در تحقیقی با عنوان «بررسی ارتباط بین مشارکت در روابط همسایگی و احساس امنیت در محلات شهر مشهد» سعی کرده‌اند تا ارتباط میان مشارکت در روابط همسایگی و احساس امنیت در محلات شهر مشهد را مورد مطالعه قرار دهند. بر اساس داده‌های به‌دست آمده معلوم شده که میان متغیرهای اعتماد به همسایه‌ها، نگرش به محیط فیزیکی محله، تمایل به مشاکت در امور محله، سطح سواد فرد، عضویت در انجمن‌های اجتماعی محله و رتبه‌ی اقتصادی-اجتماعی منطقه‌ی محل سکونت از یک سو و احساس امنیت در محله از سوی دیگر ارتباطی مثبت وجود دارد. علی یوسفی و همکاران (۱۳۸۸)، در تحقیقی با عنوان «انسجام در شبکه‌های همسایگی شهر مشهد» به مقوله‌ی ارتباطات همسایگی پرداخته‌اند. ایشان بر این باورند که همسایگی بخش مهمی از فضای عمومی شهر است که فرصت ارتباط اجتماعی را برای ساکنین فراهم می‌آورد و از این جهت در تقویت انسجام شهر سهم مهمی دارد.

سوسن باستانی (۱۳۸۷)، در مقاله‌ای با عنوان «بررسی سرمایه‌ی اجتماعی شبکه در ۱۰ محله تهران، بررسی جایگاه روابط محلی در شبکه‌های اجتماعی»، به مطالعه‌ی سرمایه‌ی اجتماعی شبکه در ۱۰ محله‌ی تهران، واقع در مناطق ۲، ۳، ۴، ۵ و ۶ شهرداری پرداخته است. در

این مقاله سرمایه‌ی اجتماعی با استفاده از رویکرد شبکه‌ی اجتماعی یا آن چه سرمایه‌ی اجتماعی شبکه نامیده می‌شود، مورد توجه قرار گرفته است. نتایج به‌دست آمده حاکی از آن است که شبکه‌ی پاسخ‌گویان متشکل از پیوند با خویشاوندان، دوستان، همسایگان و همکاران است. در کل نیمی از پیوندها با خویشاوندان و نیم دیگر با غیرخویشاوندان است. اگر چه افراد شناخت مناسبی نسبت به تعداد قابل توجهی از همسایگان‌شان داشته‌اند، به آنان وابسته نبوده‌اند.

مفاهیم، دیدگاه‌ها و مبانی نظری

سرمایه‌ی اجتماعی همسایگی

می‌توان در تمایز میان انواع سرمایه‌ی اجتماعی این‌گونه خاطر نشان کرد که سرمایه‌ی اجتماعی همسایگی از نوع سرمایه‌ی اجتماعی محکم کننده است که به روابط میان گروه‌های نسبتاً همگن (مانند یک گروه قومی، مذهبی یا اجتماعی - اقتصادی) باز می‌گردد و این نوع سرمایه‌ی اجتماعی، پیوندهای اجتماعی را در گروه مشخص قوی می‌کند (گزارش تحقیقی کمیسیون بهره‌وری استرالیا، ۱۳۸۷: ۳۳-۳۲).

«وبر» همسایگی را عبارت از روابط متقابل اجتماعی مبتنی بر مساعدت‌های متقابل در وضعیت‌های مختلف اضطراری و بحرانی می‌داند (وبر، ۱۹۲۲؛ به نقل از صدیق سروسستانی و نیمروزی، ۱۳۸۹: ۲۰۰).

«دیویس و هربرت» (۱۹۹۳) همسایگی را دارای سه بعد فضایی (قلمرو جغرافیایی)، عاطفی (دل‌بستگی اجتماعی) و بعد اجتماعی (روابط و مبادلات اجتماعی) می‌دانند. «پارک» همسایگی را محدوده‌ی طبیعی و آن را دارای عناصر زیر می‌داند: ۱. یک منطقه‌ی جغرافیایی قابل تشخیص از سایر مناطق مجاور؛ ۲. جمعیتی با ترکیب‌های قومی، جمعیتی و اجتماعی خاص؛ ۳. یک نظام اجتماعی با مقررات، هنجارها و الگوهای کنش متقابل پیوسته تنظیم‌کننده مکانسیم کنترل اجتماعی) و ۴. رفتارهای موضوعی جمعی با شیوه‌های زندگی خاص (پارک، ۱۹۱۶؛ به نقل از همان منبع، ۲۰۱).

چاوایس و واندرسمان (۱۹۹۰) «حس روانی مرتبط با اجتماع»^۱ را چنین تعریف کردند: نوعی از احساس تعلق، که اعضا نسبت به یک‌دیگر و نسبت به گروه خود دارند؛ به‌علاوه نوعی از ایمان و باور مشترک که بر مبنای آن نیازهای اعضا از طریق تعهدشان نسبت به یک‌دیگر، برطرف خواهد شد که آن نیز شامل چهار عنصر است: عضویت، تأثیر و نفوذ، انسجام و رفع احتیاجات در ارتباط عاطفی مشترک اعضا با هم (کاوجی، ۲۰۰۶: ۱۴۳).

«شئو چونگ» دریافته است که طول مدت اقامت ساکنان در یک محل با سطوح بالای سرمایه‌ی اجتماعی همسایگی شان همبستگی دارد. وقتی مردم هم‌دیگر را بیش‌تر بشناسند، تمایل خواهند داشت که پیش‌تر به یک‌دیگر اعتماد کنند. وی سرمایه‌ی اجتماعی همسایگی را این‌گونه تعریف می‌کند: سرمایه‌ی اجتماعی همسایگی هنجارهای مربوط به اعتماد و روابط متقابلی است که میان اعضای یک گروه وجود دارد. وی بر این باور است که همه ساکنانی که در یک همسایگی هستند، در سرمایه‌ی اجتماعی همسایگی شان سهیم هستند. بنابراین سرمایه‌ی اجتماعی جزء دارایی یک فرد نیست، بلکه خصوصیت و ویژگی گروهی از مردم است (چونگ، ۲۰۰۵: ۳-۴).

فارست و کرنز، معتقد هستند که شبکه‌ی تعاملات همسایگان، در حقیقت شامل آن مجموعه بلوک‌های ساختمانی هستند که انسجام اجتماعی را نشان می‌دهد که افراد از طریق آن، تاب و تحمل، همکاری و وحدت را یاد می‌گیرند و یک نوع حس نظم اجتماعی و تعلق را به‌دست می‌آورند. هم چنین از طریق روابط با همسایگان است که افراد قادر هستند تا اعتماد را بسازند. از سوی دیگر ایشان انسجام اجتماعی را فرایندی می‌دانند که بر روی سرمایه‌ی اجتماعی محلی از پایین به بالا نهاده شده است و یا آن را به‌عنوان بخش زیرین سرمایه‌ی اجتماعی، در نظر می‌گیرند (فارست و کرنز: ۲۰۰۱: ۳۷-۲۱).

از سوی دیگر از آن‌جایی که انسجام اجتماعی یکی از مؤلفه‌های مهم سرمایه‌ی اجتماعی است عموماً محققان به تحلیل و تبیین شبکه‌ها و پیوندهای اجتماعی در بطن فضای همسایگی پرداخته‌اند (یوسفی و دیگران، ۱۳۸۸: ۱۴۱).

انسجام رابطه‌ای شبکه‌ی همسایگی به معنای تراکم و قرینگی روابط همسایگان در زمینه‌ی آشنایی، سلام‌کردن، سپردن کلید منزل، اجازه‌ی رفت و آمد به فرزندان، در میان

گذاشتن مشکلات و معاشرت خانوادگی تعریف شده است. وفاق یا انسجام ارزشی شبکه‌ی همسایگی نیز به معنای میزان توافق نظر همسایگان بر روی ارزش‌های همسایگی و هم‌زیستی شامل علایق ارتباطی (اعتماد، دوستی و علاقه به همسایگان)، علایق محلی (علاقه به مکان و محل زندگی) و تعهد همسایگی (تلاش برای رفع مشکلات محله) تعریف شده است (منبع، همان، ۱۴۹).

بنابراین، می‌توان این‌گونه بیان کرد که ابعاد سرمایه‌ی اجتماعی همسایگی در وهله‌ی اول می‌تواند شامل ابعاد عینی و ذهنی باشد.

پاکستون (۱۹۹۹)، سرمایه‌ی اجتماعی را متشکل از دو مؤلفه پیوندهای عینی میان افراد و چگونگی ذهنی میان افراد می‌داند. باید ساختار شبکه‌ای عینی میان افراد وجود داشته باشد تا افراد را به هم مرتبط کند. این مؤلفه نشان می‌دهد که افراد در فضای اجتماعی به یکدیگر مرتبط هستند. پیوندهای ذهنی میان افراد باید ویژه، دو جانبه و مورد اعتماد و مستلزم احساس مثبت باشد (توکلی و کاظم تاجبخش، ۱۳۸۷: ۱۴۸).

ابعاد سرمایه‌ی اجتماعی همسایگی

الف- ابعاد عینی

۱- شبکه‌ی روابط و تعاملات اجتماعی^۱

بلوک‌های اصلی شبکه «ارتباط» است و دیدگاه شبکه با مطالعه‌ی روابط اجتماعی موجود میان مجموعه‌ای از افراد به تحلیل ساخت اجتماعی می‌پردازد و ضمن این که به کل ساخت توجه می‌کند، الگوی روابط موجود در داخل ساخت را نیز مورد توجه قرار می‌دهد. ریشه‌ی سرمایه‌ی اجتماعی شبکه، به ارتباطات و شبکه‌های اجتماعی برمی‌گردد. برخی محققان خصوصیات شبکه را در سه بعد طبقه‌بندی کرده‌اند: خصوصیات ساختی شامل: سبب، تراکم و ترکیب؛ خصوصیات تعاملی: شیوه‌ی تماس، فراوانی تماس، صمیمیت و دوام رابطه و خصوصیات کارکردی شامل: انواع حمایت می‌شود. (ایسرایل و راند، ۱۹۸۷: ۳۱۴؛ به نقل از باستانی و دیگران، ۱۳۸۶: ۶۷).

1 - social interrelation

۲- انسجام رابطه‌ای

انسجام رابطه‌ای شبکه‌ی همسایگی به معنای تراکم و قرینگی روابط همسایگان تعریف گردیده است. به تعبیر دیگر میزان چگالی و قرینگی روابط همسایگی در این بعد حساب می‌شود.

۱۰۰* (تعداد روابط ممکن میان همسایگان تقسیم بر روابط موجود میان همسایگان) = چگالی روابط همسایگی

۱۰۰* (تعداد روابط متقابل ممکن تقسیم بر تعداد روابط متقابل واقعی) = قرینگی روابط همسایگی

۳- مشارکت اجتماعی^۱

مشارکت، به معنی به‌کار گرفتن منابع شخصی به‌منظور سهیم شدن در یک اقدام جمعی است. مشارکت اجتماعی ریشه در ساخت و روابط گروهی در سطوح محلی و ملی دارد و در نهایت مبتنی بر یک فرایند است، فرایندی که طی آن اطمینان و همبستگی میان مردم برقرار می‌شود (محسنی و جاراللهی، ۱۳۸۲: ۱۳-۱۲).

ب- ابعاد ذهنی

۱- اعتماد اجتماعی^۲

اعتماد به‌عنوان یکی از مهم‌ترین عناصر تشکیل دهنده‌ی سرمایه‌ی اجتماعی از شرایط و الزامات کلیدی موجودیت هر جامعه محسوب می‌شود و برای حل مسایل اجتماعی ضروری به نظر می‌رسد. اعتماد، احساس روابط اجتماعی است و رابطه‌ی مستقیم با میزان روابط اجتماعی دارد؛ بدین صورت که هر چه میزان اعتماد اجتماعی میان افراد و گروه‌ها و سازمان‌های اجتماعی جامعه بیشتر باشد، به‌همان میزان روابط اجتماعی از شدت، تنوع، ثبات و پایداری بیشتری برخوردار است. اعتماد در متن کنش‌های انسانی نمود می‌یابد (تاجبخش، ۱۳۸۵: ۲۱۰).

1 - social Participation

2 - social trust

۲- حمایت اجتماعی^۱

در واقع حمایت اجتماعی، مفهومی است که دارای دو شکل حمایت عاطفی و حمایت ابزاری است. حمایت عاطفی را می‌توان ایجاد نوعی رابطه‌ی صمیمی و با محبت دانست و منظور از حمایت ابزاری ارائه‌ی خدمات، کمک در فعالیت‌ها، دادن پول و سایر کمک‌ها به دیگران است. حمایت اجتماعی، تعهدات متقابلی را به وجود می‌آورد و حالتی را ایجاد می‌کند که در آن شخص احساس دوست داشته شدن، مراقبت، عزت نفس و ارزشمند بودن دارد و این‌ها با نتایج سلامتی ارتباط مستقیم دارد (معمدی شلمزاری و همکاران، ۱۳۸۱: ۱۱۷-۱۱۶).

۳- انسجام ارزشی

شاخص انسجام ارزشی همسایگان نیز به معنای میزان توافق نظر همسایگان بر روی ارزش‌های همسایگی و هم‌زیستی شامل علایق ارتباطی (دوستی و علاقه به همسایگان)، علایق محلی (علاقه به مکان و محل زندگی)، و تعهد همسایگی (تلاش برای رفع مشکلات محله) تعریف شده است (یوسفی و دیگران، ۱۳۸۸: ۱۴۹).

۴- یک‌پارچگی (نزدیکی اجتماعی)^۲

یک‌پارچگی اجتماعی شامل اتخاذ استراتژی‌هایی برای کاهش تفاوت‌های ثروت تعریف می‌شود. برطبق این تئوری محله‌هایی که شکاف اجتماعی- اقتصادی بالایی میان ساکنانش وجود داشته باشد، دارای سطوح پایینی از انسجام و چسبندگی اجتماعی هستند. این یک‌پارچگی اجتماعی و کاهش در تفاوت‌های ثروت با متغیرهایی که برابری اجتماعی- اقتصادی را در یک محله نمایندگی می‌کنند، اندازه‌گیری خواهد شد. انحصار اجتماعی- اقتصادی با میانگین درآمد در یک شهر یا محله اندازه‌گیری می‌شود. این نابرابری در محدوده‌ی یک شهر یا محله با ضریب چارک آماری که عبارت است از نسبتی که به وسیله‌ی تفریق چارک درآمد بالا از چارک درآمد پایین ضربدر ۱۰۰ به دست می‌آید (رسکینز و دیگران، ۴).

1- social support

2 - Social Solidarity

۲-۳- اثرات کلی سرمایه‌ی اجتماعی همسایگی

الف) اثرات سرمایه‌ی اجتماعی همسایگی روی تحصیلات: از تحقیقاتی که اثرات (سرمایه‌ی اجتماعی) همسایگی را روی نتایج دانشگاهی سنجیده‌اند، این نتایج به دست آمده است: افرادی که در همسایگی‌های بد و نابسامان، زندگی می‌کنند، سال‌های کمی در مدارس درس می‌خوانند و با سرعت بالایی مدرسه را ترک می‌کنند (ام. پرییا، ۲۰۰۶: ۵۱۶).

انسماینگر و جاکوبسن (۱۹۹۶) دریافتند که دانش‌آموزان دبیرستانی پسر آفریقایی-آمریکایی که در محله‌های شیکاگو با همسایگانی که کمتر از ۴۰ درصد آن‌ها فقط در مشاغل یقه سفید بودند، حدوداً سه و نیم بار بیشتر ترک تحصیل می‌کردند (ای. وولی و دیگران، ۲۰۰۸: ۱۳۵).

ب) اثرات سرمایه‌ی اجتماعی همسایگی روی سلامتی: شواهد اخیر نشان می‌دهد که سرمایه‌ی اجتماعی (هنجارها و شبکه‌ها)، هستند که مردم را قادر می‌سازند، تا فعالیت‌ها را به صورت جمعی انجام دهند که تأثیر مهمی روی سلامتی دارد. مردم در جوامعی با سطوح بالای سرمایه‌ی اجتماعی، طولانی‌تر زندگی می‌کنند، میزان مرگ و میر نابهنگام کمتری دارند، کمتر دچار خشونت می‌شوند و سطوح پایین‌تری از خود-ادراکی درباره‌ی فقر سلامتی دارند. چندین مطالعه در زمینه‌ی میزان مرگ و میر در ۳۹ ایالت آمریکا یافت شده است که بیان‌کننده‌ی بالا رفتن میزان مرگ و میر حاصل از آسیب‌هاست که این مورد با میزان بالایی از کم اعتمادی، فقدان انصاف و سطح پایین کمک‌های دریافت شده میان اعضای اجتماع همراه است (پاتوسی و دیگران، ۲۰۰۶: ۱۴۶۲).

پیامدهای اصلی مرتبط با سرمایه‌ی اجتماعی همسایگی

امنیت محل سکونت

محل سکونت محلی است که فرد در آن‌جا زندگی می‌کند و احساس امنیت محل سکونت، به معنای آن است که فرد در آن محیط احساس امنیت و آرامش می‌کند. امنیت یک منبع ضروری برای زندگی هر روزه، برآوردن نیازهای اشخاص و جوامع در زمینه‌ی ارتقای اشتیاق و آمال عمومی مردم است (ضابطیان و خدایی، ۱۳۸۸: ۷۹). به‌طور کلی دو بعد برای امنیت وجود دارد: یکی بعد عینی است که با عوامل عینی محیطی و رفتاری ارزیابی می‌شود

و دیگری بعد ذهنی است که بر اساس احساس امنیت از جمع درک می‌شود. هر دو بعد می‌توانند بر یک‌دیگر تأثیر مثبت یا منفی بگذارند (همان منبع، ۸۲).

چمبراردلو معتقد است افرادی که از محل زندگی قدیمی خود مهاجرت می‌کنند و به جای دیگر می‌روند یا در آپارتمان‌های جدید سکونت می‌گزینند، در نتیجه‌ی انبوهی و شلوغی و ناآشنایی، همراه با احساس جدایی و تنهایی از سایر محلات شهر، عده‌ای از مردم از این وحشت دارند که ممکن است مجبور شوند با اشخاص مختلف یا با اصطلاح عامیانه با «هر کس و نا کس» تماس بگیرند و رابطه برقرار کنند (توسلی، ۱۳۸۳: ۱۳۱-۱۲۸).

مهاجرت و بی‌ثباتی ساکنان در جریانات و تغییرات پی در پی جمعیتی هم در داخل و هم در خارج از حیطه‌ی همسایگی منعکس می‌شود و ممکن است اتصالات نهادی را از هم بگسلد؛ اتصالات و پیوستگی‌هایی که شامل شبکه‌های اجتماعی و انسجام اجتماعی بوده است (کلمن، ۱۹۹۰؛ به نقل از جی. سامپسون و گریف، ۱۵۸۴-۱۵۸۳).

با توجه به این موضوع سامپسون و گروز (۱۹۸۹) در یافتند که بی‌ثباتی ساکنان، به انحرافات بالا متصل می‌شود؛ چرا که در این زمان شبکه‌های دوستانه‌ی محلی، ضعیف است. تیتل و پیتر نوستر (۱۹۸۸) بر این باورند که تحرک ساکنان، تعهد به هنجارهای قراردادی را کاهش می‌دهد و به‌طور مستقیم با رفتار جرم و جنایت رابطه می‌یابد. به‌عبارت دیگر میزان بالای مالکیت منازل، بیش‌تر و بیش‌تر کوشش‌های قوی را به‌منظور باقی نگه داشتن کنترل اجتماعی تشویق می‌کند (همان، بوریسک و دیگران، ۱۹۹۳، ۱۹۷۸).

کنترل اجتماعی

مجموع وسایل و شیوه‌هایی است که با استفاده از آن‌ها یک گروه یا یک واحد اعضای خود را به پذیرش رفتارها، هنجارها و قواعدی در سلوک و حتی آداب و رسوم منطبق با آن چه گروه مطلوب ترقی می‌کند، سوق می‌دهد. کنترل اجتماعی، یکی از اشکال فشار اجتماعی است (بیرو، ۱۳۸۰: ۳۴۸).

احساس تعلق به محله، عاملی است که افراد را از بی‌تفاوتی نسبت به محل سکونتشان، خارج و آن‌ها برای نظارت بر آن تشویق می‌کند. این نظارت خود مهم‌ترین ضامن برقراری امنیت در سطح محله است. از این منظر، نظارت بر عرصه‌ی عمومی، وظیفه‌ی تک تک

ساکنان محله است. منظور از نظارت بیش‌تر، کنترل عرصه‌های عمومی محله است. این کنترل متعاقباً تأمین امنیت ساکنان عرصه‌های خصوصی را در پی خواهد داشت؛ چراکه این عرصه‌ها معمولاً از بیرون تهدید می‌شوند (قاسمی، ۱۳۸۳: ۱۶۶؛ به نقل از جعفری، ۱۳۸۹: ۲۵).

اسکار نیومان نیز معتقد است که فضاهای کوچک و نیمه عمومی به افزایش کنترل اجتماعی می‌انجامد؛ چون محیط‌های کوچک و فضاهای نیمه عمومی که برای گروه‌های کوچک ساکنان قابل رؤیت باشند، احتمالاً دارای میزان کمتری جرم و بزهکاری، سرقت و نزاع‌های غیر شخصی است. وی گفت این امر به دلیل این است که در این محیط‌ها ساکنان می‌توانند ببینند که چه کسی وارد محیط آن‌ها می‌شود و این به نوبه‌ی خود اختطاری است برای بیگانگان و کسانی که دست به خشونت می‌زنند؛ بنابراین چنین فضاهایی از خود نگهداری می‌کنند (دیکنز، ۱۳۷۷: ۲۱۷). آلیس کولمن نیز معتقد است که جرم و بزهکاری در مناطقی رخ می‌دهد که ساکنان آن نمی‌توانند بر رفت و آمدهای ساختمان مسکونی خود نظارت و اشراف داشته باشند (همان: ۲۱۸).

از سوی دیگر جین جاکوبو به نوعی شهرهای بزرگ را ستایش می‌کند؛ چرا که معتقد است در شهرهای کوچک، همگان از کارهای شما آگاهی دارند. اما در شهرهای بزرگ به دلیل ناشناس بودن بیش‌تر افراد، فقط کسانی از کارهای شما باخبرند که شما، خود آن‌ها را در جریان گذارده‌اید (فقدان نظارت اجتماعی از سوی اطرافیان).

رضایت از محله‌ی مسکونی

یکی از ابعاد رضایت از زندگی، می‌تواند میزان رضایت‌مندی از محله و موقعیت سکونتی افراد باشد. رضایت‌مندی سکونتی معادل میزان رضایت درک و تجربه شده‌ی فرد یا عضوی از یک خانواده از موقعیت سکونتی فعلی خود محسوب شده است. این مفهوم نشانه‌ای مهم مبنی بر وجود ادراکات مثبت ساکنان نسبت به کیفیت زندگی خویش تلقی می‌شود. یک محیط با کیفیت بالا، احساس رفاه و رضایت‌مندی به جمعیتش را به واسطه‌ی ویژگی‌هایی که ممکن است فیزیکی، اجتماعی و یا سمبلیک باشد، منتقل می‌کند. رضایت‌مندی سکونتی متأثر از طیف گسترده‌ای از شرایط ادراک شده عینی و ذهنی است. این مفهوم دارای ماهیتی مرکب و نشانه‌ی رضایت فرد از واحد مسکونی، محله و ناحیه‌ی سکونتی اوست. در مدل‌های

تجربی تحقیقات مربوط به سنجش کیفیت و رضایت‌مندی سکونتی، میزان رضایت از واحدهای سکونتی به‌عنوان یکی از معیارهای اصلی مطرح شده که به‌عوامل سازنده‌ی خود مانند (تسهیلات/ ویژگی‌های کالبدی، امکان توفیق وسیله‌ی نقلیه، شرایط داخلی، تسهیلات بیرونی واحد، هزینه‌ها) تقسیم شده است (رفعیان و همکاران، ۱۳۸۷: ۱۹۹).

میزان رضایت از محله‌ی مسکونی فرد با سطح توسعه‌ی اجتماعی-اقتصادی منطقه‌ی مسکونی فرد رابطه دارد. اینگلهارت معتقد است که رضایت از زندگی و خوشبختی با سطوح بالای توسعه‌ی اقتصادی متناسب است. در این میان امنیت اقتصادی باعث سطوح بالای رضایت از زندگی می‌شود (هزارجریبی و صفری شالی، ۱۳۸۸: ۱۰).

براساس مدل نظام‌مند، ثبات ساکنان، در تبیین پیوندهای اجتماعی (و رضایت از محله‌ی مسکونی) افراد با یک‌دیگر عامل کلیدی به حساب می‌آید. در این زمینه روس و دیگران، آدامز و سرپی معتقدند که اقامت طولانی^۱ و مالکیت منزل مسکونی^۲ شناخت همسایه‌ها را از یک‌دیگر بیش‌تر می‌کند، تعداد دوستان را در همسایگی‌ها افزایش می‌دهد و مشارکت در رخدادهای محلی را تقویت می‌کند و در نتیجه افراد رضایت بیش‌تری از محله‌ی مسکونی خویش خواهند داشت. در مقابل تحرک ساکنان^۳ موجب اختلال در شبکه‌ی روابط اجتماعی اجتماع می‌شود. افراد در اجتماعات بی‌ثبات، فرصت کمتری برای تماس‌های اجتماعی دارند. به‌دلیل آگاهی از این امر که دوستی‌ها دوام زیادی نخواهند داشت، آن‌ها تمایل و انگیزه‌ای برای دوستی‌های محلی از خود نشان نمی‌دهند (چلبی و امیرکافی، ۱۳۸۳: ۷).

مازلو نیز در نظریه‌ی سلسله مراتب نیازها مفهوم رضایت را مترادف با ارضای نیاز، تأمین نیاز و رفع نیاز می‌داند. ارضای نیاز شامل حالاتی مانند نیرومندی، چالاکي، لذت و پاداش است (هزارجریبی و صفری شالی، ۱۳۸۸: ۱۲).

برطبق نظریه‌ی مازلو می‌توان استدلال کرد که اگر افراد ساکن در یک محل بتوانند عرق همسایگی^۴ خود را از طریق ارتباط با همسایگان دیگر و ایجاد حس هویت محله‌ای در خود ایجاد کنند بالتبع خواهند توانست نیازهای اجتماعی یا حس تعلق به دیگران یا تعلق

1 - Long- term resident
2 - Home owner
3 - Residential Mobility
4 - Neighborhood Prid

همسایگی^۱ خود را تقویت کنند و به رضایت از زندگی در محله‌ی مسکونی خود دست یابند و از بودن با دیگران و زندگی کردن با ایشان احساس رضایت و لذت بکنند.

چارچوب نظری

بر این چارچوب و از مجموع نظریات نظریه پردازانی که از یک سو درباره‌ی سرمایه‌ی اجتماعی به‌طور کلی و نظریه پردازانی که به‌طور خاص درباره‌ی سرمایه‌ی اجتماعی همسایگی قلم‌فرسایی کرده‌اند، می‌توان این‌گونه تحلیل کرد که:

درگیری افراد در شبکه‌های اجتماعی بیان‌کننده‌ی این مهم است که وقتی افراد بتوانند شبکه‌ی روابطشان را با دیگران گسترش دهند، خواهند توانست بهتر از منافع دیگران بهره‌برداری کنند. وجود انسجام رابطه‌ای نیز مشخص‌کننده‌ی شدت تراکم و قرینگی روابط اجتماعی میان افراد است. میزان فراوانی تعامل با همسایگان و این که آیا این روابط دو جانبه و متقابل هست یا نه؟ از سوی دیگر وجود نوعی مشارکت اجتماعی که بسترهای لازم را برای همکاری میان اعضا فراهم می‌کند، می‌توان این ابعاد را به‌عنوان ابعاد عینی سرمایه‌ی اجتماعی همسایگی در نظر گرفت.

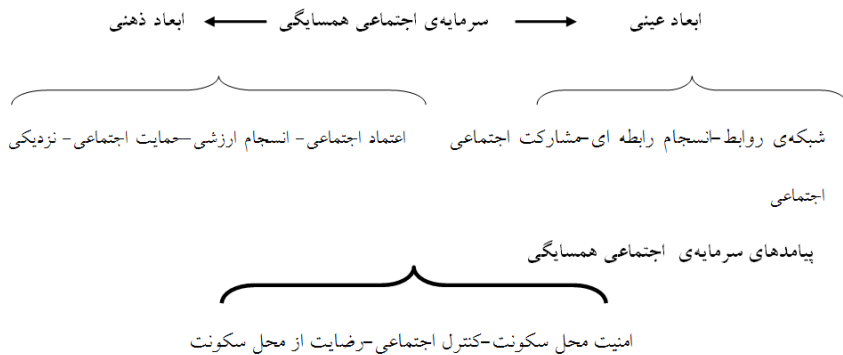
حمایت اجتماعی، اعتماد اجتماعی متقابل و انسجام ارزشی اعضا که بیان‌کننده‌ی اهداف و ارزش‌ها و باورها و هنجارهای مشترک است، را نیز بعد ذهنی سرمایه‌ی اجتماعی دانسته‌اند. این نوع از سرمایه به‌عنوان سرمایه‌ی اجتماعی شناختی افراد معنا می‌شود. همچنین ایجاد یک پارچگی اجتماعی از طریق هرچه کاستن از تفاوت‌ها و نابرابری‌ها در زمینه‌ی ثروت مادی افراد باعث می‌شود تا از این طریق همدلی میان همسایگان افزایش یابد و خصومت‌ها میان افراد فقیر و غنی در روابط همسایگی از میان برداشته شود. همین ابعاد هستند که به‌عنوان ابعاد ذهنی سرمایه‌ی اجتماعی همسایگی میان افراد نیز در نظر گرفته می‌شوند.

در مورد رابطه‌ی سرمایه‌ی اجتماعی همسایگی با پیامدهای مرتبط با آن نیز می‌توان گفت که اگر بتوان احساس تعلق ساکنان نسبت به محله‌شان را بیش‌تر کرد، به‌دنبال آن افراد به محله و متعاقباً به همسایگان‌شان بیش‌تر احساس تعهد کرده و در حفظ و نگهداری آن خواهند کوشید. نیاز به تعلق، مربوط به رابطه‌ی انسان با محیط و رابطه‌ی انسان با دیگران

است. امنیت محله‌ای در رابطه با سه عنصر محیط فیزیکی، افراد و رویدادهاست. بر این اساس هرچه افراد مدت زمان بیشتری در یک محله سکونت داشته باشند، و از سوی دیگر احساس مالکیت بر منازلشان را داشته باشند، گامی در جهت افزایش امنیت محله‌ای برداشته خواهد شد. تداوم تاریخی و برقراری رابطه‌ی عاطفی و تجربه‌ی شخصی نسبت به همسایگان احساس هویت محله‌ای و به دنبال آن امنیت محله‌ای را تقویت خواهد کرد. بنابر نظر لودرو تاریخت و قدیمی بودن نوعی حس امنیتی را برای افراد به ارمغان می‌آورد؛ چرا که محیط محله را همیشه برای خویشتن، آشنا می‌پندارد.

یکی دیگر از پیامدهای هویت محله‌ای، وجود کنترل اجتماعی در محلات مسکونی است که در رابطه‌ی نزدیکی با امنیت اجتماعی است. هرچه بتوان رابطه با همسایگان را تقویت کرد، بر این مبنا حس نظارت همسایگان نیز نسبت به محله‌شان بیشتر خواهد شد. این به نحوی نشانه‌ی خارج شدن اعضای یک محله از حالت بی تفاوتی نسبت به محله‌ای خاص می‌باشد. بنابراین به هم‌میزان که بتوان فضاهای عمومی را در محله افزایش داد، به همان میزان کنترل اجتماعی به نحو مثبت و به دنبال آن امنیت محله‌ای در محله برقرار خواهد شد؛ چرا که در این صورت کلیه‌ی عرصه‌های عمومی محله توسط ساکنان در نظر گرفته می‌شود و ورود افراد غریبه به محله برای همه آشکار می‌شود.

یکی دیگر از پیامدهای هویت محله‌ای می‌تواند افزایش میزان رضایت افراد از محیط زندگی‌شان باشد. بر اساس نظر ابراهام مازلو یکی از نیازهایی که افراد بشری دارند، مربوط به نیازهای اجتماعی و یا حس تعلق به دیگران است. در واقع از آن‌جا که مقوله‌های همسایگی و محله از هم جدا نیستند، می‌توان گفت که عرق همسایگی داشتن، باعث رضایت از زندگی در محل سکونت خاصی می‌شود. از طرفی دیگر بر اساس یکی از تئوری‌ها به نام تئوری بیگانگی اجتماعی، فرد گاهی امکان دارد دچار از خود بیگانگی اجتماعی شده و از جنبه‌های اصلی وجود اجتماعی‌اش، دور شود. حال بر این مبنا صحبت از حس هویت همسایگی به میان می‌آید؛ اگر در محله‌ای اشخاص مادام از محله‌ای به محله دیگر بروند، در این صورت است که اولاً فرصت برقراری ارتباط با همسایگان را از دست داده‌اند و ثانیاً خود را از این نیاز اجتماعی که همانا حس تعلق به دیگران است محروم کرده‌اند؛



نمودار شماره‌ی یک - مدل نظری تحقیق

فرضیات پژوهش

- ۱- میان سرمایه‌ی اجتماعی همسايگی با احساس امنیت اجتماعی افراد رابطه وجود دارد.
- ۲- میان سرمایه‌ی اجتماعی همسايگی با میزان رضایت افراد از محله‌ی مسکونی شان رابطه وجود دارد.
- ۳- میان سرمایه‌ی اجتماعی همسايگی با کنترل اجتماعی رابطه وجود دارد.
- ۴- میان سرمایه‌ی اجتماعی همسايگی با سن افراد رابطه وجود دارد.
- ۵- میان سرمایه‌ی اجتماعی همسايگی با جنس افراد رابطه وجود دارد.
- ۶- میان سرمایه‌ی اجتماعی همسايگی با نوع بافت محلات رابطه وجود دارد.

روش پژوهش

نوع تحقیق در این پژوهش توصیفی-تحلیلی است و روش تحقیق، را باید از نوع پیمایشی^۱ دانست. اصل مهم پیمایش از نظر وایزبرگ و براون^۲ این است که اگر می‌خواهید بدانید مردم چگونه می‌اندیشند، باید از خود آن‌ها پرسید (قاسمی، ۱۳۸۰: ۱۵۹؛ به نقل از نیازی، ۱۳۹۰: ۶۴). در جمع‌آوری اطلاعات از منابع کتابخانه‌ای چون-کتاب‌ها، مقاله‌های

1- survey

2- weisberg and Brown

داخلی و خارجی و غیره- و جمع‌آوری نظرهای مردم از طریق پرکردن پرسش‌نامه حاصل شده است.

جامعه‌ی آماری: جامعه‌ی آماری در این تحقیق کلیه‌ی افراد بالای ۱۸ سال شهر آران و بیدگل (منطقه آران) است.

روش نمونه‌گیری: در این تحقیق سعی شد از روش نمونه‌گیری تصادفی قشربندی شده استفاده شود. در این روش متغیر طبقه‌بندی بر حسب محلات خواهد بود. در این تحقیق ابتدا کل منطقه‌ی آران به سه قسمت بافتی با قدمت زیاد، بافتی با قدمت ۵۰ سال و بافتی نوساز تقسیم می‌شوند (نیازی، ۱۳۸۷: ۲۳-۲۲). سپس درصد محله‌های مذکور، نسبت به کل محلات (۲۲ محله) به ترتیب ۵۹ درصد محلات قدیمی ساز، ۲۲/۷ درصد محلات با قدمت ۵۰ سال و ۱۸ درصد محلات نوساز، مجموعاً محلات این شهر را تشکیل می‌دهند.

بنابراین در این تحقیق نیز سعی می‌شود با استفاده از روش نمونه‌گیری تصادفی قشر بندی شده، ابتدا محلات مورد نظر به‌طور تصادفی انتخاب شود و سپس مجموع بلوک‌های هر محله ارزیابی شود و نهایتاً به‌طور تصادفی پرسش‌نامه‌ها میان افراد بالای ۱۸ سال هر بلوک توزیع گردد.

حجم نمونه: حجم نمونه‌ی پژوهش حاضر، بر اساس فرمول کوکران محاسبه شده که میزان آن برابر ۳۸۴ نفر است.

اعتبار و روایی: در این تحقیق برای سنجش اعتبار مقیاس‌ها از اعتبار سازه‌ای بهره‌جسته می‌شود. چراکه ارزیابی سنجه بر حسب مطابقت آن با انتظارات نظری صورت گرفته است. همچنین برای سنجش اعتبار مقیاس‌ها از اعتبار صوری نیز استفاده شده است. منظور از اعتبار صوری میزان توافق متخصصان یک امر در رابطه با یک شاخص یا معیار است. چرا که تاحدّ زیادی سعی شده از شاخص‌ها و مقیاس‌ها (پرسش‌نامه‌های استاندارد شده) در تحقیق استفاده شود.

اعتماد و پایایی: برای پایایی ابزار سنجش نیز از روش پیش‌آزمون و محاسبه‌ی ضریب آلفای کرونباخ برای هر طیف سوال‌ها استفاده شد که آلفای به دست آمده از ۳۰ پرسش‌نامه مقدماتی، برای هر یک از طیف‌ها از ۰/۷. بالا یا نزدیک به آن بوده است بنابراین هم‌بستگی درونی گویه‌ها زیاد بوده است. تحلیل داده‌ها با استفاده از نرم افزار Spss و با استفاده از

روش‌های آماری هم چون توزیع فراوانی، ضریب هم‌بستگی اسپیرمن و پیرسون، هم چنین رگرسیون خطی استفاده شده است.

معرفی متغیرها و شاخص‌ها

پرسش‌نامه شامل متغیرهایی چون متغیر سن، جنس، وضعیت تأهل، شغل، میزان تحصیلات، مولفه‌های سرمایه‌ی اجتماعی همسایگی شامل مؤلفه‌های عینی (الف- چگونگی شبکه‌ی روابط و تعاملات افراد با ۴ گویه، ب- انسجام رابطه‌ای با ۷ گویه، پ- مشارکت اجتماعی با ۶ گویه) و مولفه‌های ذهنی شامل (الف- اعتماد اجتماعی با ۵ گویه، ب- حمایت اجتماعی با ۷ گویه پ- انسجام ارزشی با ۶ گویه ت- نزدیکی اجتماعی با ۳ گویه) سنجیده شده است. هم‌چنین پیامدهای سرمایه اجتماعی همسایگی (الف- امنیت اجتماعی با ۸ گویه، ب- کنترل اجتماعی با ۶ گویه و میزان رضایت‌مندی سکونتی با ۶ گویه) سنجیده شده که مجموع امتیاز گویه‌ها سطح متغیر را نشان می‌دهد.

محدوده‌ی پژوهش

شهرستان آران و بیدگل از توابع استان اصفهان با وسعت ۶۰۵۱ کیلومتر مربع در پنج کیلومتری شمال کاشان واقع شده است. این شهرستان که در حاشیه‌ی جنوب غربی کویر مرکزی ایران قرار دارد، از شمال به دریاچه‌ی نمک و استان سمنان و قم، از مشرق به شهرستان‌های نطنز و اردستان و از جنوب و غرب به شهرستان کاشان و رشته جبال مرکزی ایران محدود است (سلمانی آرانی، ۱۳۷۷: ۹).



شکل شماره‌ی سه- موقعیت شهرستان آران و بیدگل در استان اصفهان



شکل شماره‌ی دو-موقعیت استان اصفهان در ایران

یافته‌های تحقیق

در این پژوهش کل نمونه‌ی مورد مطالعه ۳۸۴ نفر که از این تعداد، ۲۸/۴ درصد پاسخ‌گویان را مردان و ۷۱/۴ درصد را زنان تشکیل داده‌اند.

توزیع فراوانی و درصدی متغیر مستقل: سرمایه‌ی اجتماعی همسایگی

جدول شماره‌ی یک- جدول ترکیبی متغیر سرمایه‌ی اجتماعی همسایگی

درصد تجمعی	درصد	فراوانی	
۱۰/۲	۱۰/۲	۳۹	کم
۶۵/۹	۵۵/۷	۲۱۴	متوسط
۱۰۰/۰	۳۴/۱	۱۳۱	زیاد
	۱۰۰/۰	۳۸۴	کل

مطابق اطلاعات به‌دست آمده ۱۰/۲ درصد افراد دارای سرمایه‌ی اجتماعی همسایگی کم، اکثر افراد (۶۵/۹ درصد) دارای سرمایه‌ی اجتماعی همسایگی در حد متوسط و ۳۴/۱ درصد هم دارای سرمایه‌ی اجتماعی بالا بوده‌اند. نتیجه این که بیش‌تر مردم منطقه‌ی شهری آران، در حد متوسط و رو به بالا دارای سرمایه‌ی اجتماعی همسایگی بوده‌اند.

جدول شماره‌ی دو- جدول آماره‌های قابل مقایسه‌ی سرمایه‌ی اجتماعی همسایگی

شاخص مفهوم	تعداد گویه	حداقل	حداکثر	دامنه‌ی تغییر	میانگین	انحراف معیار	واریانس
سرمایه‌ی اجتماعی همسایگی	۳۸	۴۹	۱۶۲	۱۱۳	۱۱۵/۹۷	۱۷/۸۷	۳۱۹/۶۱

جدول فوق مربوط به آماره‌های قابل مقایسه‌ی متغیر سرمایه‌ی اجتماعی همسایگی است. مطابق جدول تعداد گویه‌ها برای سنجش سرمایه‌ی اجتماعی همسایگی برابر ۳۸ گویه بوده و میانگین آن برابر ۱۱۵/۹۷ است که نسبت به حد متوسط آن (۹۰/۵) در سطح بسیار بالاتری قرار گرفته است.

توزیع فراوانی و درصدی متغیر وابسته (۱): امنیت محل سکونت

جدول ترکیبی شماره‌ی سه- توزیع فراوانی و درصدی متغیر میزان امنیت محل سکونت

فراوانی	درصد	درصد تجمعی	
۵۶	۱۴/۶	۱۴/۶	کم (۱۰-۲۲)
۲۶۳	۶۸/۵	۸۳/۱	متوسط (۲۳-۳۲)
۶۵	۱۶/۹	۱۰۰/۰	زیاد (۳۳-۴۰)
۳۸۴	۱۰۰/۰		کل

طبق جدول فوق بیش‌ترین میزان فراوانی مربوط به گزینه‌ی متوسط است و معلوم می‌شود که اکثر افراد (۶۸/۵ درصد) به‌صورت متوسط رو به بالا در محل سکونت خود دارای امنیت بوده‌اند.

جدول شماره‌ی چهار- آماره‌های قابل مقایسه امنیت اجتماعی

شاخص مفهوم	تعداد گویه	حداقل	حداکثر	دامنه‌ی تغییر	میانگین	انحراف معیار	واریانس	ضریب کجی	ضریب کشیدگی
امنیت اجتماعی	۸	۱۰	۴۰	۳۰	۲۸/۱۱۴۶	۵/۱۶۵	۲۱/۶۸۷	-۰/۴۰۳	۰/۲۷۴

جدول و نمودار فوق بیان‌کننده‌ی این امر است که میزان امنیت اجتماعی پاسخ‌گویان با استفاده از ۸ گویه مورد بررسی قرار گرفته است. میانگین نمرات پاسخ‌گویان در این متغیر ۲۸/۱۱۴۶ است که از حد متوسط آن (۲۰) در حد بالاتری قرار گرفته است.

بررسی میزان امنیت اجتماعی در بافت‌های مختلف محله‌ای

جدول شماره‌ی پنج- بررسی میزان امنیت اجتماعی در محله‌ها

میزان قدمت								متغیرها
جمع		صدها سال		با ۵۰ سال قدمت		نوساز		میزان امنیت
درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	
۱۰۰/۰	۵۶	۵۷/۱	۳۲	۳۲/۱	۱۸	۱۰/۷	۶	کم
۱۰۰/۰	۲۶۳	۴۸۵۴	۱۴۳	۲۵/۹	۶۸	۱۹/۸	۵۲	متوسط
۱۰۰/۰	۶۵	۴۳/۱	۲۸	۲۴/۶	۱۶	۳۲/۳	۲۱	زیاد
۱۰۰/۰	۳۸۴	۵۲/۹	۲۰۳	۲۶/۶	۱۰۲	۲۰/۶	۷۹	جمع

جدول فوق میزان امنیت اجتماعی را در محلات با بافت‌های مختلف نشان می‌دهد. برطبق جدول فوق، ۵۷/۱ درصد افرادی که در مناطقی با قدمت صدها سال به بالا زندگی می‌کنند، معتقد هستند که به میزان کمی محله‌ی شان از امنیت برخوردار است. چنان‌که

مشاهده می‌شود، این افراد میزان امنیت در محله‌ی شان را در حد متوسط به پایین اعلام کرده‌اند. اما مشاهده می‌شود که این امر برای مناطق با ۵۰ سال قدمت و هم‌چنین مناطق نوساز در حالت متوسط و رو به بالا بوده است.

توزیع فراوانی و درصدی متغیر وابسته (۲): کنترل اجتماعی

این متغیر نیز دارای ۶ گویه بوده که توزیع فراوانی و درصدی آن در جدول زیر آمده است:

جدول شماره‌ی شش- جدول آماره‌های ترکیبی متغیر میزان کنترل اجتماعی

درصد تجمعی	درصد	فراوانی	
۱۴/۳	۱۴/۳	۵۵	کم (۷-۱۵)
۸۳/۱	۶۸/۸	۲۶۴	متوسط (۱۶-۲۲)
۱۰۰/۰	۱۶/۹	۶۵	زیاد (۲۳-۳۰)
	۱۰۰/۰	۳۸۴	کل

بیش‌ترین میزان فراوانی از آن گزینه‌ی متوسط بوده و اکثر افراد (۶۸/۸ درصد) به صورت متوسط رو به بالا اعلام کرده‌اند که نظارت اجتماعی در محله‌ی شان تا حدی اعمال می‌شده است.

جدول شماره‌ی هفت- آماره‌های قابل مقایسه‌ی کنترل اجتماعی

شاخص مفهوم	تعداد گویه	حدائق	حدائق	دامت‌ی تغییر	میانگین	انج اراف معیار	واریانس	ضریب کجی	ضریب کشیدگی
کنترل اجتماعی	۶	۷	۳۰	۲۳	۱۹/۴۷	۳/۵۹	۱۲/۹	-/۱۷	۸/۱۱۷

جدول فوق میزان کنترل اجتماعی پاسخ‌گویان را با استفاده از ۶ گویه نشان می‌دهد. میانگین نمرات پاسخ‌گویان در این متغیر ۱۹/۴۷ است که نسبت به حد متوسط آن (۱۵) در حد بالاتری از آن قرار گرفته است.

بررسی میزان کنترل اجتماعی در بافت‌های مختلف محله‌ای

جدول شماره‌ی هشت - بررسی میزان کنترل اجتماعی در محله‌ها

میزان قدمت								متغیرها
جمع		صدها سال		با ۵۰ سال قدمت		نوساز		میزان
درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	کنترل اجتماعی
۱۰۰/۰	۵۵	۴۳/۶	۲۴	۲۹/۱	۱۶	۲۷/۳	۱۵	کم
۱۰۰/۰	۲۶۴	۵۴/۲	۱۴۳	۲۷/۳	۷۲	۱۸/۶	۴۹	متوسط
۱۰۰/۰	۶۵	۵۵/۴	۳۶	۲۱/۵	۱۴	۲۳/۱	۱۹	زیاد
۱۰۰/۰	۳۸۴	۵۲/۹	۲۰۳	۲۶/۶	۱۰۲	۲۰/۶	۷۹	جمع

برطبق جدول فوق میزان کنترل اجتماعی در محله‌هایی با قدمت بیش از صدها سال ۵۴/۲ در حد متوسط و ۵۵/۴ در حد زیاد بوده است؛ بنابراین در وضعیتی متوسط رو به بالا قرار داشته است. در این میان مناطق با قدمت ۵۰ سال میزان کنترل اجتماعی در محله‌های‌شان را ۲۷/۳ و ۲۱/۵ درصد در حد متوسط رو به پایین به خود اختصاص داده‌اند. در این‌جا مشاهده می‌شود که مناطق نوساز بعد از مناطق با قدمت صدها سال از بیش‌ترین میزان کنترل اجتماعی در محله‌های خود برخوردار بوده‌اند.

توزیع فراوانی و درصدی متغیر وابسته (۳): رضایت از محل سکونت

این متغیر دارای ۶ گویه بوده است که توزیع فراوانی و درصدی آن در جدول زیر آمده است:

جدول شماره‌ی نه- جدول ترکیبی متغیر رضایت از محل سکونت

درصدتجمعی	درصد	فراوانی	
۱۴/۳	۱۴/۳	۵۵	کم (۷-۱۵)
۸۶/۷	۷۲/۴	۲۷۸	متوسط (۱۶-۲۳)
۱۰۰/۰	۱۳/۳	۵۱	زیاد (۲۴-۳۰)
	۱۰۰/۰	۳۸۴	کل

بیش‌ترین میزان فراوانی از آن گزینه متوسط است و اکثر افراد (۷۲/۴ درصد) در حد متوسط اعلام کرده‌اند که از محل سکونت خود رضایت دارند.

جدول شماره‌ی ده- جدول آماره‌های قابل مقایسه متغیر رضایت از محل سکونت

شاخص مهم	نماد گویه	حداقل	حداکثر	دامنه‌ی تغییر	میانگین	انحراف معیار	واریانس	ضریب کجی	ضریب کشیدگی
رضایت از محل سکونت	۶	۶	۳۰	۲۴	۱۹/۲	۳/۸	۱۴/۸	-۰/۳۷	۰/۶۷

جدول فوق میزان رضایت از محل سکونت پاسخ‌گویان را با استفاده از ۶ گویه نشان می‌دهد. میانگین نمرات پاسخ‌گویان در این متغیر ۱۹/۲ است که نسبت به حد متوسط آن (۱۵) در حد بالاتری قرار گرفته است. انحراف معیار آن ۳/۸۵ می‌باشد، به گونه‌ای که کرانه‌ی پایین نمرات ۶، کرانه‌ی بالای آن ۳۰ و دامنه‌ی تغییر نمرات در جامعه‌ی آماری مورد بررسی ۲۴ است.

ج- بررسی میزان رضایت از محله سکونت در بافت‌های مختلف مسکونی

جدول شماره‌ی یازده- میزان رضایت از محل سکونت در محله‌هاگ

میزان قدمت								متغیرها
جمع		صدها سال		با ۵۰ سال قدمت		نوساز		میزان رضایت
درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	از محل مسکونی
۱۰۰/۰	۵۵	۵۸/۲	۳۲	۲۹/۱	۱۶	۱۲/۷	۷	کم
۱۰۰/۰	۲۷۸	۵۵/۸	۱۵۵	۲۶/۶	۷۴	۱۷/۶	۴۹	متوسط
۱۰۰/۰	۵۱	۳۱/۴	۱۶	۲۳/۵	۱۲	۴۵/۱	۲۳	زیاد
۱۰۰/۰	۳۸۴	۵۲/۹	۲۰۳	۲۶/۶	۱۰۲	۲۰/۶	۷۹	جمع

جدول فوق میزان رضایت از محل سکونت افراد را در بافت‌های مختلف محله‌ها نشان می‌دهد. برطبق جدول فوق، میزان رضایت از محل سکونت افراد، در محله‌هایی با قدمت ۵۰ سال و محله‌ها، با قدمت ۱۰۰ سال حالتی در حد متوسط به پایین قرار داشته است که در این میان ۵۸/۲ درصد افراد ساکن در مناطق با قدمت صدسال اعلام کرده‌اند که از کیفیت محل سکونت خود راضی نیستند. این در حالی است که بیش‌ترین میزان رضایت افراد از محله‌ی مسکونی شان با مناطق نوساز بر می‌گردد (۴۵/۱ درصد).

آزمون فرضیه‌های پژوهش

فرضیه‌ی ۱: به نظر می‌رسد بین سرمایه‌ی اجتماعی همسایگی با احساس امنیت محل سکونت رابطه باشد.

در این فرضیه ما دو متغیر مستقل (سرمایه‌ی اجتماعی همسایگی) و متغیر وابسته (امنیت محل سکونت) داریم. از آن‌جا که هر دو متغیر از نوع متغیر فاصله‌ی هستند، در نتیجه برای آزمون فرضیه از ضریب هم‌بستگی پیرسون استفاده شده است.

جدول شماره‌ی دوازده- رابطه بین سرمایه‌ی اجتماعی همسایگی و امنیت محل

متغیر وابسته امنیت محل سکونت		متغیر مستقل
۰/۳۶۹	ضریب هم‌بستگی پیرسون	سرمایه‌ی اجتماعی همسایگی
۰/۰۰۰	سطح معناداری	
۳۸۴	تعداد کل پاسخ‌گویان	

گزارش آزمون نشان می‌دهد که مقدار ضریب $r=0/214$ است و با $sig=0/000$ در سطح $0/99$ درصد معنی دار است. جهت رابطه نیز به دلیل مثبت بودن ضریب، مستقیم است. به عبارتی هرچه سرمایه‌ی اجتماعی همسایگی افراد بالا رود، امنیت محل سکونت نیز افزایش می‌یابد. پس فرضیه‌ی تأیید می‌شود.

فرضیه‌ی ۲: به نظر می‌رسد میان سرمایه‌ی اجتماعی همسایگی با رضایت از محل سکونت رابطه باشد.

در این فرضیه نیز ما دو متغیر مستقل و وابسته داریم: (سرمایه‌ی همسایگی و رضایت از محل سکونت) و از آن‌جا که هر دو متغیر از نوع فاصله‌ای هستند، برای آزمون فرضیه از ضریب هم‌بستگی پیرسون استفاده می‌شود.

جدول شماره‌ی سیزده: رابطه میان سرمایه‌ی اجتماعی همسایگی و رضایت از محل سکونت

رضایت از محل سکونت		متغیر وابسته متغیر مستقل
۰/۲۱۴	ضریب هم‌بستگی پیرسون	سرمایه‌ی اجتماعی همسایگی
۰/۰۰۰	سطح معناداری	
۳۸۴	تعداد کل پاسخ‌گویان	

گزارش آزمون نشان می‌دهد که مقدار ضریب $r=0/214$ است و با $sig=0/000$ در سطح $0/99$ درصد معنی دار است. جهت رابطه نیز به دلیل مثبت بودن ضریب، مستقیم است. به

عبارتی هرچه سرمایه‌ی اجتماعی همسایگی افراد بالا رود، میزان رضایت افراد از محل سکونتشان نیز افزایش می‌یابد. پس فرضیه تأیید می‌شود.

فرضیه ۳: به نظر می‌رسد میان سرمایه‌ی اجتماعی همسایگی با میزان کنترل اجتماعی رابطه باشد.

در این فرضیه نیز ما دو متغیر مستقل و وابسته داریم: (سرمایه‌ی همسایگی و کنترل اجتماعی) و از آن‌جا که هر دو متغیر از نوع فاصله‌ای هستند، برای آزمون فرضیه از ضریب هم‌بستگی پیرسون استفاده می‌شود.

جدول شماره‌ی چهارده- رابطه بین سرمایه‌ی اجتماعی همسایگی و کنترل اجتماعی

کنترل اجتماعی		متغیر وابسته متغیر مستقل
۰/۴۸۵	ضریب هم‌بستگی پیرسون	سرمایه‌ی اجتماعی همسایگی
۰/۰۰۰	سطح معناداری	
۳۸۴	تعداد کل پاسخ‌گویان	

گزارش آزمون نشان می‌دهد که مقدار ضریب $r=0/214$ است و با $sig=0/000$ در سطح ۰/۹۹ درصد معنی‌دار است. جهت رابطه نیز به دلیل مثبت بودن ضریب، مستقیم است. به عبارتی هرچه سرمایه‌ی اجتماعی همسایگی افراد بالا رود، میزان کنترل اجتماعی افراد در محله‌ی شان نیز افزایش می‌یابد. پس فرضیه تأیید می‌شود.

فرضیه ۴: به نظر می‌رسد میان سرمایه‌ی اجتماعی همسایگی با سن افراد رابطه باشد.

در این فرضیه نیز ما دو متغیر مستقل و وابسته داریم: (سرمایه‌ی همسایگی و سن افراد) و از آن‌جا که هر دو متغیر از نوع فاصله‌ای هستند، برای آزمون فرضیه از ضریب هم‌بستگی پیرسون استفاده می‌شود.

جدول شماره‌ی پانزده- رابطه سرمایه اجتماعی همسایگی با سن

کنترل اجتماعی		متغیر وابسته متغیر مستقل
۰/۳۰۵	ضریب هم‌بستگی پیرسون	سرمایه‌ی اجتماعی همسایگی
۰/۰۰۰	سطح معناداری	
۳۸۴	تعداد کل پاسخ‌گویان	
کنترل اجتماعی		متغیر وابسته متغیر مستقل
۰/۳۰۵	ضریب هم‌بستگی پیرسون	سرمایه‌ی اجتماعی همسایگی
۰/۰۰۰	سطح معناداری	
۳۸۴	تعداد کل پاسخ‌گویان	

گزارش آزمون نشان می‌دهد که مقدار ضریب $r=0/305$ است و با $sig=0/000$ در سطح $0/99$ درصد معنی دار است. جهت رابطه نیز به دلیل مثبت بودن ضریب، مستقیم است. به عبارتی سرمایه‌ی اجتماعی همسایگی افراد با بالا رفتن سن افراد، بالا می‌رود پس فرضیه تأیید می‌شود.

فرضیه ۵: به نظر می‌رسد میان مردان و زنان از لحاظ سرمایه‌ی اجتماعی همسایگی تفاوت معنادار وجود دارد.

در این فرضیه از آن‌جا که متغیر مستقل ما (سرمایه‌ی اجتماعی همسایگی) از نوع متغیر فاصله‌ای و متغیر وابسته ما (جنسیت) از نوع متغیر دو بعد اسمی بوده است، بنابراین برای آزمون فرضیه از آزمون t استفاده شد.

جدول شماره‌ی شانزده- رابطه میان سرمایه اجتماعی همسایگی با جنسیت

آزمون t	تست لون		آزمون t	
	F	sig	T	Sig
برابری واریانس سرمایه‌ی اجتماعی همسایگی	۱/۲۷۳	۰/۲۶۰	-۱/۴۸۴	۰/۱۳۹

گزارش آزمون بدین قرار است: آزمون لون نشان می‌دهد که میان واریانس‌ها برابری وجود دارد ($F=۱/۲۷$ ، $sig=۰/۲۶۰$).

با این که میانگین ظاهری در قسمت توصیف نشان می‌دهد سرمایه‌ی اجتماعی همسایگی در میان زنان بیش‌تر از مردان است، ($Mean=۱۱۶/۹۲$ ، $Mean=۱۱۳/۹۳$)، اما آماره‌ی t بیان‌کننده‌ی این است که این تفاوت به‌لحاظ آماری معنادار نیست و میان مردان و زنان از لحاظ میانگین سرمایه‌ی اجتماعی همسایگی تفاوت معناداری وجود ندارد.

فرضیه‌ی ۶: به نظر می‌رسد میان بافت‌های مختلف محله‌ای از لحاظ سرمایه‌ی اجتماعی تفاوت معناداری وجود دارد.

برای آزمون این فرضیه از آن‌جا که متغیر مستقل ما سرمایه‌ی اجتماعی همسایگی از نوع متغیر فاصله‌ای بوده و متغیر وابسته ما نوع بافت محلات از نوع متغیر اسمی چندوجهی بوده، از آزمون F استفاده شده است.

جدول شماره‌ی هفده- آزمون رابطه‌ی سرمایه‌ی اجتماعی همسایگی با نوع بافت محلات

ANOVA					
Sarmaye					
	Sum of Squares	df	Mean Square	F	Sig.
Between Groups	1212.693	2	606.347	1.906	.150
Within Groups	121198.096	381	318.105		
Total	122410.789	383			

گزارش آزمون به این قرار است: مقدار $F=۱/۹۶۰$ و $sig=۰/۱۵$ است. مشاهده می‌شود که تفاوت معنی‌دار نیست. و سرمایه‌ی همسایگی در بافت‌های مختلف محله تغییر معناداری ندارد. پس فرضیه تأیید نمی‌شود.

※ نتایج تحلیل رگرسیونی اثرات مختلف ابعاد ذهنی و عینی سرمایه‌ی اجتماعی همسایگی بر پیامدهای مرتبط با آن

هم‌چنین در این پژوهش سعی بر آن شد تا اثر ابعاد ذهنی و عینی سرمایه‌ی اجتماعی همسایگی بر روی هر یک از پیامدهای اصلی آن (امنیت اجتماعی، رضایت از محل سکونت

و کنترل اجتماعی) مورد بررسی قرار گیرد. در جدول ذیل به‌طور کلی ضرایب تعیین، مقدار آزمون F و میزان بتای هر یک از متغیرها نشان داده شده است.

جدول شماره‌ی هجده- اثر ابعاد ذهنی سرمایه‌ی اجتماعی همسایگی بر پیامدهای مرتبط با آن

اثر ابعاد ذهنی سرمایه‌ی اجتماعی همسایگی بر امنیت اجتماعی	ضریب تعیین	F	P	Beta
حمایت اجتماعی انسجام ارزشی	۰/۱۶	۸/۸۱	۰/۰۰۰	۰/۲۵ ۰/۱۸
اثر ابعاد ذهنی سرمایه‌ی اجتماعی بر رضایت از محل سکونت				
انسجام ارزشی حمایت اجتماعی اعتماد اجتماعی	۰/۲۷	۴۹/۰۳	۰/۰۰۰	۰/۳۰ ۰/۱۷ ۰/۱۲
اثر ابعاد ذهنی سرمایه‌ی اجتماعی همسایگی بر کنترل اجتماعی				

الف- اثر ابعاد ذهنی سرمایه‌ی اجتماعی همسایگی بر امنیت اجتماعی: بر اساس جدول فوق، دو بعد ذهنی سرمایه‌ی اجتماعی همسایگی در شکل رگرسیونی باقی ماندند. به‌طوری که ضریب تبیین آن برابر ۰/۱۶ درصد است. هم‌چنین شکل رگرسیونی تبیین شده نیز طبق آزمون تحلیل واریانس انجام شده در جدول زیر خطی است؛ زیرا مقدار آزمون F برای تعیین معنی‌داری اثر ابعاد ذهنی سرمایه‌ی اجتماعی همسایگی بر امنیت اجتماعی برابر ۸۵/۸۱ با سطح معنی‌داری $p=۰/۰۰۰$ است.

هم‌چنین بر اساس جدول فوق، و با توجه به بتای استاندارد شده اثر بعد ذهنی حمایت اجتماعی ۰/۲۵ درصد و بعد ذهنی انسجام ارزشی ۰/۱۸ درصد است. بنابراین بعد ذهنی سرمایه‌ی اجتماعی همسایگی (حمایت اجتماعی) بالاترین اثر مستقیم را در میان ابعاد ذهنی سرمایه‌ی اجتماعی همسایگی بر امنیت اجتماعی دارا است.

ب- اثر ابعاد ذهنی سرمایه‌ی اجتماعی همسایگی بر میزان رضایت از محل سکونت: بر اساس جدول فوق، سه بعد ذهنی سرمایه‌ی اجتماعی همسایگی در شکل رگرسیونی باقی ماندند. به‌طوری که ضریب تبیین آن برابر ۰/۲۷۳ درصد است. هم‌چنین شکل رگرسیونی تبیین شده نیز طبق آزمون تحلیل واریانس انجام شده در جدول زیر خطی است؛ زیرا مقدار

آزمون F برای تعیین معنی‌داری اثر ابعاد ذهنی سرمایه‌ی اجتماعی همسایگی بر امنیت اجتماعی برابر $۰/۳۴۹$ با سطح معنی‌داری $p=۰/۰۰۰$ است.

هم‌چنین بر اساس جدول فوق، و با توجه به بتای استاندارد شده اثر بعد ذهنی انسجام ارزشی $۰/۳۰$ درصد و بعد ذهنی حمایت اجتماعی $۰/۱۷$ درصد و بعد ذهنی اعتماد اجتماعی $۰/۱۲$ درصد است. بنابراین بعد ذهنی سرمایه‌ی اجتماعی همسایگی (انسجام ارزشی) بالاترین اثر مستقیم را میان ابعاد ذهنی سرمایه‌ی اجتماعی همسایگی بر رضایت از محل سکونت دارا است.

ج- اثر ابعاد ذهنی سرمایه‌ی اجتماعی همسایگی بر میزان کنترل اجتماعی: بر اساس جدول فوق بعد ذهنی سرمایه‌ی اجتماعی همسایگی (حمایت اجتماعی) در شکل رگرسیونی باقی ماند. به‌طوری‌که ضریب تبیین آن برابر $۰/۲۵$ درصد است. هم‌چنین شکل رگرسیونی تبیین شده نیز طبق آزمون تحلیل واریانس انجام شده در جدول زیر خطی است؛ زیرا مقدار آزمون F برای تعیین معنی‌داری اثر بعد ذهنی سرمایه‌ی اجتماعی همسایگی (حمایت اجتماعی) بر کنترل اجتماعی برابر $۰/۳۱۳$ با سطح معنی‌داری $p=۰/۰۰۰$ است.

هم‌چنین بر اساس جدول فوق، و با توجه به بتای استاندارد شده اثر بعد ذهنی حمایت اجتماعی $۰/۵۰$ درصد است. بنابراین بعد ذهنی سرمایه‌ی اجتماعی همسایگی (حمایت اجتماعی) بالاترین اثر مستقیم را میان ابعاد ذهنی سرمایه‌ی اجتماعی همسایگی بر کنترل اجتماعی دارا است.

جدول شماره‌ی نوزده- اثر ابعاد عینی سرمایه‌ی اجتماعی همسایگی بر پیامدهای مرتبط با آن بر اساس

مدل رگرسیونی

اثر ابعاد عینی سرمایه‌ی اجتماعی همسایگی بر امنیت اجتماعی	ضریب تعیین	F	P	Beta
مشارکت اجتماعی	$۰/۰۷$	$۳۳/۸۶$	$۰/۰۰۰$	$۰/۲۸$
اثر ابعاد عینی سرمایه‌ی اجتماعی بر رضایت از محل سکونت				
انسجام رابطه‌ی مشارکت اجتماعی	$۰/۱۸$	$۴۵/۴۱$	$۰/۰۰۰$	$۰/۳۰$ $۰/۱۸$
اثر ابعاد عینی سرمایه‌ی اجتماعی همسایگی بر کنترل اجتماعی				
مشارکت اجتماعی شبکه روابط	$۰/۱۸$	$۴۴/۳۳$	$۰/۰۰۰$	$۰/۳۵$ $۰/۱۴$

الف- اثر ابعاد عینی سرمایه‌ی اجتماعی همسایگی بر میزان امنیت اجتماعی: بر اساس جدول فوق، یک بعد عینی سرمایه‌ی اجتماعی همسایگی (مشارکت اجتماعی) در شکل رگرسیونی باقی ماند. به طوری که ضریب تبیین آن برابر ۰/۷۹ درصد است. هم‌چنین شکل رگرسیونی تبیین شده نیز طبق آزمون تحلیل واریانس انجام شده در جدول زیر خطی است؛ زیرا مقدار آزمون F برای تعیین معنی‌داری اثر بعد عینی سرمایه‌ی اجتماعی همسایگی (مشارکت اجتماعی) را بر امنیت اجتماعی برابر ۳۳/۸۶۵ با سطح معنی‌داری $p=۰/۰۰۰$ است.

هم‌چنین بر اساس جدول فوق، و با توجه به بتای استاندارد شده اثر بعد عینی مشارکت اجتماعی ۰/۲۸ درصد است. بنابراین بعد عینی سرمایه‌ی اجتماعی همسایگی (مشارکت اجتماعی) بالاترین اثر مستقیم را میان ابعاد عینی سرمایه‌ی اجتماعی همسایگی بر امنیت اجتماعی دارا است.

نتیجه: در میان ابعاد عینی و ذهنی سرمایه‌ی اجتماعی همسایگی در مجموع بعد ذهنی سرمایه‌ی اجتماعی همسایگی (حمایت اجتماعی و انسجام ارزشی) دارای بیش‌ترین اثر بر امنیت اجتماعی است.

ب- اثر ابعاد عینی سرمایه‌ی اجتماعی همسایگی بر میزان رضایت از محل سکونت: بر اساس جدول فوق، دو بعد عینی سرمایه‌ی اجتماعی همسایگی (انسجام رابطه‌ای و مشارکت اجتماعی) در شکل رگرسیونی باقی ماندند. به طوری که ضریب تبیین آن‌ها برابر ۰/۱۸ درصد است. هم‌چنین شکل رگرسیونی تبیین شده نیز طبق آزمون تحلیل واریانس انجام شده در جدول زیر خطی است؛ زیرا مقدار آزمون F برای تعیین معنی‌داری اثر ابعاد عینی سرمایه‌ی اجتماعی همسایگی (انسجام رابطه‌ای و مشارکت اجتماعی) بر رضایت از محل سکونت برابر ۴۵/۴۱ با سطح معنی‌داری $p=۰/۰۰۰$ است.

هم‌چنین بر اساس جدول فوق، و با توجه به بتای استاندارد شده اثر بعد عینی انسجام رابطه‌ای ۰/۳۰ درصد و بعد عینی مشارکت اجتماعی ۰/۱۸ درصد است. بنابراین بعد عینی سرمایه‌ی اجتماعی همسایگی (انسجام رابطه‌ای) بالاترین اثر مستقیم را میان ابعاد عینی سرمایه‌ی اجتماعی همسایگی بر رضایت از محل سکونت دارا است.

نتیجه: در میان ابعاد عینی و ذهنی سرمایه اجتماعی همسایگی، از مجموع ضرایب بتاها این گونه برمی‌آید که ابعاد ذهنی سرمایه‌ی اجتماعی همسایگی (انسجام ارزشی، حمایت اجتماعی و اعتماد اجتماعی) دارای بیش‌ترین اثر بر رضایت از محل سکونت داشته باشند.

ج- اثر ابعاد عینی سرمایه‌ی اجتماعی همسایگی بر میزان کنترل اجتماعی: بر اساس جدول فوق، دو بعد عینی سرمایه‌ی اجتماعی همسایگی (مشارکت اجتماعی و اندازه‌ی شبکه) در شکل رگرسیونی باقی ماندند. به‌طوری که ضریب تبیین آن‌ها برابر ۰/۱۸ درصد است. هم‌چنین شکل رگرسیونی تبیین شده نیز طبق آزمون تحلیل واریانس انجام شده در جدول زیر خطی است؛ زیرا مقدار آزمون F برای تعیین معنی‌داری اثر ابعاد عینی سرمایه‌ی اجتماعی همسایگی (مشارکت اجتماعی و شبکه‌ی روابط و تعاملات) بر کنترل اجتماعی برابر ۴۴/۳۳۰ با سطح معنی‌داری $p=۰/۰۰۰$ است.

هم‌چنین بر اساس جدول فوق، و با توجه به بتای استاندارد شده اثر بعد عینی مشارکت اجتماعی ۰/۳۵ درصد و بعد عینی شبکه‌ی روابط و تعاملات ۰/۱۴ درصد است. بنابراین بعد عینی سرمایه‌ی اجتماعی همسایگی (مشارکت اجتماعی) بالاترین اثر مستقیم را میان ابعاد عینی سرمایه‌ی اجتماعی همسایگی بر کنترل اجتماعی دارا است.

لذا می‌توان گفت که در میان ابعاد عینی و ذهنی سرمایه‌ی اجتماعی همسایگی بعد ذهنی حمایت اجتماعی دارای بیش‌ترین تأثیر (۰/۵۰) بر میزان کنترل اجتماعی در محله‌ها بوده است.

نتیجه‌گیری

در این پژوهش سعی شد، به اهمیت سرمایه‌ی اجتماعی همسایگی در دنیای کنونی که ارتباطات بیش‌تر به سمت ارتباطات مجازی می‌رود، هم‌چنین به پیامدهای کاهش و افزایش این نوع خاص از سرمایه پرداخته شود. برای این منظور سعی شد که مؤلفه‌های متفاوت این نوع سرمایه از منابع داخلی و خارجی گردآوری و به‌صورت تجربی در منطقه‌ی شهر آران و بیدگل بررسی شود. نتایج نشان از آن دارد میزان سرمایه‌ی اجتماعی همسایگی در منطقه‌ی شهری آران، ۵۵/۷ درصد است؛ به این معنی که بیش از نیمی از افراد کماکان به رسم سنت گذشته- چه در مناطق قدیمی ساز، چه در مناطق با بافت ۵۰ سال و چه در مناطق نوساز- به

روابط همسایگی خود بها داده و روابط با همسایگان را جزئی از شبکه‌های روابط خود قرار داده‌اند. هم‌چنین میزان امنیت محل سکونت، کنترل اجتماعی و رضایت از محل سکونت افراد نیز در حد متوسط و رو به بالا بوده است که این نشان از وابستگی شدید میان سرمایه‌ی اجتماعی همسایگی با این پیامدها دارد. تأیید شدن فرضیه‌های ۱ و ۲ و ۳ نیز همین موضوع را نشان داد. فرضیه‌ی ۴ نیز نشان داد که کسانی دارای سرمایه‌ی اجتماعی همسایگی بالا هستند، که سن ایشان از ۵۰ سال بیشتر است. بنابراین این مورد نشان می‌دهد که جوانان کمتر با همسایگان خود رابطه دارند و این امکان هست که افراد دیگری را در شبکه‌ی روابط خود می‌گنجانند. در فرضیه ۵ نیز معلوم شد که زنان و مردان در میزان ارتباط با همسایگانشان هیچ تفاوتی با هم ندارند و هر دو گروه به یک نحو از سرمایه‌ی همسایگی برخوردارند. هم‌چنین در آزمون فرضیه‌ی ۶ نیز معلوم شد که بافت محلات نیز هیچ تأثیری در سرمایه‌ی اجتماعی همسایگی افراد ندارد و مناطق نوساز به‌همان میزان با همسایگان خود رابطه دارند که مناطق قدیمی ساز. از سوی دیگر نتایج تحلیلی رگرسیونی نیز بیان‌کننده‌ی آن بود که ابعاد ذهنی سرمایه‌ی اجتماعی همسایگی (اعتماد اجتماعی، حمایت اجتماعی و انسجام ارزشی در مقایسه با ابعاد عینی آن دارای بیش‌ترین تأثیر بر امنیت اجتماعی، کنترل اجتماعی و میزان رضایت از محل سکونت بوده است.

بنابراین نتایج نشان دادند که علیرغم گسترش دنیای ارتباطات مجازی، هم‌چنان روابط همسایگی در شهر کوچکی مثل آران و بیدگل، مهم است و یکی از حلقه‌های ارتباطاتی افراد را تشکیل می‌دهد. از سوی دیگر به‌علت پیامدهای مثبت فراوانی که این نوع از سرمایه می‌تواند داشته باشد، پس به‌جا خواهد بود، که در زمینه‌ی هر چه غنی‌تر کردن آن گام برداشت.

منابع

- ۱- ادب، مورا(بی‌تا) «معنی در مکان؛ بررسی مولفه‌های موثر در شکل‌گیری هویت مکانی»، *ماهنامه‌ی بین‌المللی راه و ساختمان*، شماره‌ی ۷۵، ص ۴۹-۴۱.
- ۲- باستانی، سوسن و دیگران (۱۳۸۷) «سرمایه‌ی اجتماعی شبکه و اعتماد متقابل بین شخصی»، *مجله‌ی دانشکده ادبیات علوم انسانی*، شماره‌ی ۶۱، سال ۱۶، ص ۸۰-۴۱.

- ۳- باستانی، سوسن (۱۳۸۷) «بررسی سرمایه‌ی اجتماعی شبکه در ۱۰ محله‌ی تهران: بررسی جایگاه روابط محلی در شبکه‌های اجتماعی»، *مجله‌ی مطالعات اجتماعی ایران*، دوره‌ی دوم، شماره‌ی ۲؛ ص ۷۱-۵۵.
- ۴- باستانی، سوسن و مریم صالحی هیکویی (۱۳۸۶) «سرمایه‌ی اجتماعی شبکه و جنسیت»، *نامه‌ی علوم اجتماعی*، شماره‌ی ۳۰، ص ۸۵-۶۳.
- ۵- توسلی، غلامعباس (۱۳۸۳) *جامعه‌شناسی شهری*، تهران: انتشارات دانشگاه پیام نور، چاپ هفتم.
- ۶- توکلی، مرتضی و کاظم تاجبخش (۱۳۸۷) «بررسی و تحلیل میزان سرمایه‌ی اجتماعی در مناطق شهری و روستایی مرزی سیستان»، *فصلنامه‌ی روستا و توسعه*، سال ۱۱، شماره‌ی ۲، ص ۱۶۲-۱۴۳.
- ۷- جارااللهی، عذرا و محسنی (۱۳۸۲) *مشارکت اجتماعی*، تهران: نشر آرون، تهران.
- ۸- چلبی، مسعود و مهدی امیرکافی (۱۳۸۳) «تحلیل چند سطحی انزوای اجتماعی»، *مجله‌ی جامعه‌شناسی ایران*، دوره‌ی پنجم، شماره‌ی ۲، ص ۳۱-۳.
- ۹- دیکنز، پیتر (۱۳۷۷) *جامعه‌شناسی شهری - جامعه، اجتماع محلی و طبیعت انسانی*، ترجمه‌ی حسین بهروان، مشهد: انتشارات آستان قدس رضوی، چاپ اول.
- ۱۰- رفیعان، مجتبی و دیگران (۱۳۸۹) «ارزیابی میزان کیفیت مجتمع‌های مسکونی با تأکید بر رویکرد رضایت‌مندی در محله‌ی نواب»، *فصلنامه‌ی مدرس علوم انسانی*، دوره‌ی ۱۴، شماره‌ی ۱، ص ۲۱۱-۱۹۷.
- ۱۱- سلمانی آرانی، حبیب‌اله (۱۳۷۷) *نگاهی به آران و بیدگل*، آران: انجمن اهل قلم آران.
- ۱۲- صدیق سروسستانی، رحمت‌اله و نوروز نیمروزی (۱۳۸۹) «بررسی ارتباط بین مشارکت در روابط همسایگی و احساس امنیت در محلات مشهد»، *فصلنامه‌ی دانش انتظامی*، سال دوازدهم، شماره‌ی دوم، ص ۲۲۰-۱۸۶.
- ۱۳- ضابطیان، الهام و زهرا خدایی (۱۳۸۸) «مدیریت و سرمایه‌ی اجتماعی (۲)»، *پژوهشنامه‌ی شماره‌ی ۴۰*، پژوهشکده‌ی تحقیقات استراتژیک مجمع تشخیص مصلحت نظام.
- ۱۴- گزارش تحقیقی کمیسیون بهره‌وری استرالیا ۲۰۰۳ (۱۳۸۷) *پژوهشکده‌ی مطالعات فرهنگی و اجتماعی*، چاپ اول، تهران.

۱۵- یوسفی، علی و دیگران(۱۳۸۸)«انسجام در شبکه‌های اجتماعی شهر مشهد»، *مجله‌ی جامعه‌شناسی ایران*، دوره‌ی دهم، شماره‌ی ۱، ص ۱۶۱-۱۳۸.

۱۶- معتمدی شلمزاری، عبدالله و دیگران(۱۳۸۱) «بررسی نقش حمایت اجتماعی در رضایتمندی از زندگی، سلامت عمومی و احساس تنهایی در بین سالمندان بالاتر از ۶۰سال»، *مجله‌ی روان‌شناسی* ۲۲، سال ششم، شماره‌ی ۲، ص ۱۳۳-۱۱۵.

۱۷- موسوی، سید کمال‌الدین(۱۳۸۷) *لذت جامعه‌شناسی*، تهران: شرکت نشر بهینه فراگیر، چاپ اول.

۱۸- نیازی، محسن(۱۳۸۷) *مردم شناسی آران و بیدگل*، تهران: انتشارات علم و دانش، چاپ اول.

۱۹- نیازی، محسن(۱۳۹۰) *از دواج دانشجویی، فرصت‌ها و چالش‌ها*، طرح پژوهشی، دانشگاه کاشان.

۲۰- هزارجریبی، جعفر و رضا صفری شالی(۱۳۸۸) «بررسی رضایت از زندگی و جایگاه احساس امنیت در آن»؛ *فصلنامه‌ی علمی-پژوهشی انتظام اجتماعی*، سال اول، شماره‌ی سوم، ص ۲۸-۷.

21- Caughy Brien and et.al(2006) «Neighborhood Poverti, Social Capital, and African Amirican Preschoolers», *Amiricans Journal Of Community Psychology*, Vol 37, 141-151.

22- Chong, Sheau Tsuey(2005) *Young Australians Neighbourhood Social Capital*, Faculty Life and Social Sciences, Swinburn University of Technology, 2-22.

23- E. Woolly and et...(2008) Nieghborhood, Poor Physical Condition, and School Achievement, Children and School, *ProQuest Education Journals*, 133-145.

24- Forrest, R., Kearns, A.(2001) «Social cohesion, Social capital and the Neighborhood», *Urban Studies*, 38(12): 2125-2143.

25- M Perreir Krista & et...(2006) «High school completion by immigrant and native youth-Demography», volum 43-Number 3, 511-536.

26- Pattussi Marcos & et...(2006) «Neighborhood social capital and Dental Injuries in Brazilian Adolescents», *American journal of Health*-vol 96-No.8, 1462-1468

27- Reeskens, Tim and et.al.(2000) *Is Social Cohesion one Latent Concept?*, center for Political Research, Kuleuven, 1-10.

28- Sampson, Robert and et.al(2002) *Assessing "neighborhood Effect": Social Process and new directions in research*, Department of sociology, University of Chicago, 443-47.